

فهرست منابع

کلیات و طرح پژوهش

۱. بیان مسئله ۳
۲. سوال پژوهش ۴
۳. فرضیه پژوهش ۵
۴. متغیرها ۵
۵. تعریف مفاهیم ۵
۶. ادبیات و پیشینه پژوهش ۶
۷. روش شناسی پژوهش ۹
۸. روش گردآوری اطلاعات و داده ها ۹
۹. مشکلات و تنگناهای پژوهش ۹
۱۰. سازمان دهی پژوهش ۱۰

فصل اول: چارچوب نظری

۱. نظریه سازه انگاری ۱۲
۲. هستی شناسی سازه انگاری ۱۴
۳. مفروضه های اصلی هستی شناسی ۱۶
- ۳-۱. تأکید بر اهمیت ساختارهای فکری و هنجاری در کنار ساختارهای مادی ۱۷
- ۳-۲. بر ساختگی هویت و منافع و ابتدای منافع بر هویت ۱۸
- ۳-۳. تعامل ساختار- کار گزار ۲۲

فصل دوم: دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی

- بخش اول: مفاهیم بر ساخته در سیاست خارجی دوره خاتمی ۲۶
- بخش دوم: روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا ۳۴
- ۲-۱. روند مذاکرات ایران و اتحادیه اروپا در انعقاد موافقتنامه تجارت و همکاری ۵۰
 - ۳-۱. دیپلماسی تعاملی در موضوع هسته ای ۵۴
 - ۳-۲. روند مذاکرات هسته ای ایران با سه کشور اروپایی ۵۶

فصل سوم: دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد

- بخش اول: مفاهیم بر ساخته در سیاست خارجی دوره احمدی نژاد ۷۳
۱. گفتمان سیاست خارجی دولت نهم ۷۴
 - ۱-۱. اصولگرایی ۷۵
 - ۱-۲. عدالت گستری ۷۶
 - ۱-۳. صلح طلبی حداکثری یا مثبت ۸۰

۸۱.....	۲. جهت گیری سیاست خارجی دولت نهم.....
۸۶.....	۳. محو شدن اسرائیل و رد افسانه هولوکاست.....
۹۱.....	بخش دوم: روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا در دوره احمدی نژاد.....
۹۳.....	۱. دیپلماسی تهاجمی و تقابلی در موضوع هسته ای.....
۱۱۴.....	۲. گفتگوهای جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا و موافقتنامه همکاری و تجارت میان طرفین در دوره احمدی نژاد.....
۱۱۸	نتیجه گیری
۱۲۴	فهرست منابع

کلیات و طرح پژوهش

۱. بیان مسئله

ایران با بسیاری از کشورهای اروپایی نظیر انگلستان، آلمان، فرانسه، اسپانیا و ایتالیا به لحاظ تاریخی دارای روابط چند صد ساله بوده است و در بسیاری از مقاطع تاریخی، روند و ماهیت روابط متقابل دولت های حاکم بر ایران و کشورهای مزبور، نقش اساسی در شکل گیری تحولات داخلی ایران، تحولات منطقه ای و بعضاً مناسبات جهانی داشته است. این روابط بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ش/۱۹۷۹م) همواره دستخوش نوسان بوده است. امروز پس از گذشت ۳۱ سال از وقوع انقلاب اسلامی در ایران هنوز رابطه میان جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا نهادینه نشده است و طرفین نسبت به یکدیگر بی اعتماد هستند و با سوء نیت و بدبینی مفرط رفتارهای یکدیگر را مورد ارزیابی قرار می دهند. با وجود این، جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین الملل و همچنین جایگاه منطقه ای و راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت های متقابلی را برای برقراری رابطه تقویت شده فیما بین بوجود می آورد.^۱ با وجود این، این رابطه طی ۳۱ سال گذشته نوسان و فراز و نشیب های بسیار داشته است، به طوری که جمهوری اسلامی ایران در دوران دو رئیس جمهوری خاتمی و احمدی نژاد دو رویکرد کاملاً متعارض و متفاوت را در ارتباط با اتحادیه اروپا در پیش گرفته است. محمد خاتمی در دوران ریاست جمهوری خود تلاش کرد در چارچوب سیاست تنش زدایی و گفتگوی تمدن ها روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا را به هم نزدیکتر نماید. اتخاذ این سیاست هر چند در دوره نخست و دو سال اول دور دوم ریاست جمهوری وی در گسترش رابطه جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا مثمرثمر واقع شد ولی در دو سال پایانی دور دوم ریاست جمهوری خاتمی و با مطرح شدن موضوع هسته ای ایران، روابط ایران و اتحادیه اروپا کاملاً تحت تأثیر این موضوع قرار گرفت و

^۱ - سعید خالو زاده، "ارزیابی تحلیلی روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا"، کتاب اروپا "۲"، انتشارات ابرار معاصر، تهران: ۱۳۸۲، ص ۳۴ .

مجدد دچار نوسان گردید تا اینکه در انتخابات نهم ریاست جمهوری، محمود احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور جدید ایران انتخاب شد. احمدی نژاد که در سیاست خارجی خود تأکید بسیار بر نفی سلطه و استکبار ستیزی داشت، اتحادیه اروپا را دنباله رو ایالات متحده آمریکا قلمداد می کرد و در موارد مختلف از جمله در مناظره انتخاباتی با میر حسین موسوی در ۱۳/۳/۱۳۸۸ در دروه دهم ریاست جمهوری بر این نکته تأکید کرد که از نظر ما اروپا فقط بخشی از قدرت جهان است و همه قدرت جهان محسوب نمی شود و ما نیاز به همکاری با آنها نداریم. وی خطاب به موسوی اعلام کرد اگر نگاه شما این است که ما باید ۴ قدرت بزرگ را راضی کنیم این خلاف نظر امام و منطق و استقلال است.^۱ این نگاه جدید در سیاست خارجی ایران در دوره احمدی نژاد سبب شد رابطه جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا که در این دوره کاملاً تحت تأثیر پرونده هسته ای نیز قرار داشت، نسبت به دو دوره ریاست جمهوری خاتمی کاهش یابد. حال پرسش درباره چرایی این رخداد است و اینکه در گفتمان دوره خاتمی و احمدی نژاد چه مختصاتی وجود داشته و دارد که تفاوت رویکرد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اتحادیه اروپا را به دنبال داشته است؟

۲. سوال پژوهش

سوال پژوهش آن است که چرا در دوران ریاست جمهوری خاتمی (۱۳۷۶ - ۱۳۸۴) و احمدی نژاد (۱۳۸۴ - ۱۳۸۸) مناسبات ایران و اتحادیه اروپا دستخوش نوسان شدید قرار گرفت و نوع گفتمان و جهت گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دو دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد چه تأثیری بر این نوسانات داشته است؟

1- "<http://www.alborznews.net/fa/p.? 1388/1/24>".

۳. فرضیه پژوهش

در پاسخ به سوال این پژوهش، فرضیه اصلی آن است که گفتمان اصلاحات دولت خاتمی و گفتمان اصولگرایانه دولت محمود احمدی نژاد عامل اصلی نوسان شدید در مناسبات ایران و اتحادیه اروپا بوده است.

۴. متغیرها

متغیر مستقل

متغیر وابسته

- گفتمان اصلاحات دوره محمد خاتمی
- گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا
- گفتمان اصول گرایانه دوره احمدی نژاد
- کاهش روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا

۵. تعریف مفاهیم

گفتمان اصلاحات:

- سیاست تنش زدایی؛
- گفتگوی تمدن ها.

گسترش روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا:

- گفتگوهای سازنده میان ایران و اتحادیه اروپا؛
- مذاکرات مربوط به موافقتنامه تجارت و همکاری ایران و اروپا؛
- سیاست تعاملی در موضوع هسته ای با کشورهای اروپایی و آژانس بین المللی انرژی هسته ای.

گفتمان اصول گرایانه:

- اصولگرایی، عدالت محوری، صلح طلبی؛

- استکبار ستیزی، نفی نظام سلطه، افسانه خواندن هولوکاست و ضرورت محو اسرائیل، ساختار شکنی بین المللی.

کاهش روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا:

- قطع گفتگوهای سازنده بین ایران و اتحادیه اروپا؛

- قطع مذاکرات موافقتنامه تجارت و همکاری ایران و اتحادیه اروپا؛

- قطع مذاکرات هسته ای جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا و حمایت اروپا از آمریکا در تحریم علیه ایران.

۶. ادبیات و پیشینه پژوهش

تا به امروز پژوهش های مختلفی پیرامون روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در حوزه سیاسی و اقتصادی به رشته تحریر در آمده است، که می توان به دو مقاله از سعید خالوزاده با عنوان "ارزیابی تحلیلی روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا" و همچنین "بررسی همکاری های اقتصادی - تجاری ایران و اتحادیه اروپا در دو دهه اخیر" اشاره کرد. در مقاله اول تاکید بر این است که با توجه به اینکه اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی در دو حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت قرار دارند، فاقد یک رابطه استراتژیک هستند، اما جایگاه اتحادیه در نظام بین الملل و همچنین جایگاه منطقه ای و راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت های متقابلی برای برقراری یک رابطه تقویت شده با اتحادیه اروپا را بوجود می آورد. در مقاله دوم بیشتر به همکاری های اقتصادی و تجاری طرفین

توجه شده است. همچنین کتاب " **اتحادیه اروپایی** " اثر سعید خالوزاده که در یک بخش از این کتاب به طور کامل روابط ایران با اتحادیه اروپا را بررسی شده است. بعضی از پژوهش ها به مقایسه دوره های مختلف ریاست جمهوری در ایران و تأثیر آن بر رابطه با اتحادیه اروپا توجه دارند. برای مثال می توان به کتاب سید داوود آقایی با عنوان " **اتحادیه اروپایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران** " اشاره کرد. این کتاب تلاش نموده با توجه به نظریه سازه انگاری روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا را از بعد از انقلاب تا پایان سال ۱۳۸۴ در دوره های مختلف ریاست جمهوری در ایران بررسی نماید. در این کتاب تأکید شده اتحادیه اروپا بر تعامل محور ساختار - کارگزار توجه فراوان دارد. به عبارت دیگر اتحادیه اروپا صرفاً به نقش و کارکرد دولت جمهوری اسلامی ایران توجه نمی کند، بلکه به بستر ساختار بین المللی، اصول و هنجارهای پذیرفته شده بر طبق اجماع بین المللی، تأکید عمده دارد و معتقد است عملکرد جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک عامل باید با توجه به مقوله ساختار مورد مذاقه نظر قرار گیرد. همچنین می توان به پایان نامه عزیز سامانی با عنوان " **روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در دوره هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی** " اشاره کرد. در این پایان نامه چهار موضوع مورد مناقشه - حقوق بشر، سلاح های کشتار جمعی، تروریسم و صلح خاورمیانه - میان ایران و اروپا در دوره هاشمی و خاتمی بررسی گردیده است. بعضی از پژوهش ها نیز به صورت موردی یک موضوع خاص را درباره رابطه ایران و اتحادیه اروپا بررسی نموده اند. برای مثال می توان به رساله دکترای علی فلاحی با عنوان " **توافقتنامه تجارت و همکاری ایران - اتحادیه اروپا و امنیت جمهوری اسلامی ایران** " اشاره کرد. در این پایان نامه منظور از همکاری با اروپا، برقراری میزانی از وابستگی متقابل اقتصادی است که به موجب آن منافع اتحادیه اروپا در قبال هرگونه تهدید علیه امنیت ملی ایران آسیب پذیر گردد. لذا از آنجا که نوع رابطه همکاری میان طرفین وابستگی متقابل نامتقارن است، پس فرض تقارن وابستگی متقابل میان ایران و اروپا امری محال خواهد بود. بنابراین این

فرضیه که "انعقاد موافقتنامه تجاری میان اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران سبب ایجاد امنیت ملی ایران می گردد" ابطال پذیر است.

همچنین می توان به مقاله سید جلال دهقانی فیروز آبادی با عنوان "گزینه های هسته ای ایران (از سعد آباد تا بروکسل)" دقت نظر داشت. نویسنده در این مقاله روند فراز و نشیب مذاکرات هسته ای ایران با سه کشور اروپایی و آژانس بین المللی انرژی هسته ای را در دوره خاتمی بررسی می کند. همچنین مقاله سارا فلاحی با عنوان "بررسی مقایسه ای دیپلماسی هسته ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد"، این مقاله به تشریح سیاست تعاملی هسته ای دوره خاتمی و سیاست تهاجمی هسته ای دوره احمدی نژاد پرداخته است. اصغر جعفری ولدانی نیز در دو بخش نهم و دهم از کتاب "روابط خارجی ایران (بعد از انقلاب اسلامی)" به تشریح روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا در دوره خاتمی و بهبود گفتگوهای طرفین از حالت انتقادی به سازنده و فراگیر می پردازد، البته نویسنده در فصل دهم کتاب به این نکته اشاره می کند که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر اتحادیه اروپا گرایش بیشتری به سمت آمریکا پیدا کرد و روابط ایران و اتحادیه نسبت به دوره قبل از ۱۱ سپتامبر و به خصوص با مطرح شدن موضوع هسته ای به کندی پیش رفت.

با نگاه و دقت نظر در ادبیات موجود به این نکته پی می بریم که پژوهشی به صورت مقایسه ای در زمینه روابط جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپا در دوره خاتمی و احمدی نژاد وجود ندارد، حال این پژوهش تلاش می کند تا رابطه ایران و اتحادیه اروپا را در دوره خاتمی و احمدی نژاد با تاکید بر این نکته که فضای حاصل از گفتمان اصلاحات در عرصه بین المللی در دوره خاتمی باعث گسترش روابط و فضای حاصل از گفتمان اصولگرایانه در عرصه بین المللی در دوره احمدی نژاد باعث کاهش روابط طرفین گردیده است، پردازد.

۷. روش شناسی پژوهش

تاکید این پژوهش این است که گفت‌مان اصلاحات و گفت‌مان اصولگرایانه به ترتیب در دوره خاتمی و احمدی نژاد باعث گسترش و کاهش روابط ایران و اتحادیه اروپا در این دو دوره شده است. بنابراین برای تجزیه و تحلیل داده از روش توصیفی - تحلیلی استفاده نموده ایم.

۸. روش گردآوری اطلاعات و داده ها

در این پژوهش از منابع ثانویه استفاده شده است و در گردآوری و استخراج اطلاعات و داده ها از روش کتابخانه ای، اینترنت و نمایه بهره گیری شده است.

۹. مشکلات و تنگناهای پژوهش

از جمله مشکلات پیش رو در تدوین این پژوهش، کمبود منابع فارسی در ارتباط با روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد است، و بخش اعظم منابع موجود به تشریح سیاست خارجی این دوره پرداخته اند. یکی دیگر از مشکلات این پژوهش عدم دسترسی به منابع درجه یک موجود در کتابخانه نهاد ریاست جمهوری و همچنین عدم دسترسی به منابع و پرونده های محرمانه در وزارت امور خارجه بود که به ناچار در برخی موارد از منابع دسته دوم استفاده گردیده است.

۱۰. سازمان دهی پژوهش

پژوهش حاضر شامل کلیات، سه فصل و نتیجه گیری است. کلیات پژوهش شامل سوال، فرضیه، متغیرها و تعریف مفاهیم می باشد. در فصل اول چارچوب نظری سازه انگاری با تاکید بر هستی شناسی این نظریه بررسی گردیده و روابط ایران و اتحادیه اروپا در دوران ریاست جمهوری خاتمی و احمدی نژاد طبق این نظریه توضیح داده شده است. فصل دوم به دو بخش تقسیم شده است در بخش اول مفاهیم بر ساخته در سیاست خارجی خاتمی همچون تنش زدایی و گفتگوی تمدن ها بررسی شده و در بخش دوم تأثیر سیاست تنش زدایی و گفتگوی تمدن ها را در روابط ایران با اتحادیه اروپا در موضوعات مختلف - گفتگوهای ایران و اتحادیه، موافقتنامه تجارت و همکاری میان طرفین و دیپلماسی هسته ای - توضیح داده ایم. فصل سوم نیز به دو بخش تقسیم شده است در بخش اول مفاهیم بر ساخته در سیاست خارجی احمدی نژاد همچون اصولگرایی، عدالت گستری و صلح طلبی در کنار استکبار ستیزی و نفی نظام سلطه را توضیح داده ایم و در بخش دوم تأثیر اتخاذ این سیاست ها را در روابط ایران و اروپا در موضوعات مختلف - گفتگوهای ایران و اتحادیه، موافقتنامه تجارت و همکاری میان طرفین و دیپلماسی هسته ای - بررسی نموده ایم. در نتیجه گیری نیز به این نکته اشاره شده است که روابط ایران و اتحادیه اروپا در دوره خاتمی بهبود یافت، زیرا جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کارگزار تلاش نمود با ساختار بین الملل تعامل برقرار کند اما این روابط در دوره احمدی نژاد کاهش یافت، زیرا این دولت با انتقاد از ساختار نظام بین الملل نه تنها تعاملی میان کارگزار با ساختار بوجود نیامورد بلکه خواهان تغییر ساختار نظام بین الملل فعلی نیز گردید.

فصل اول :

چارچوب نظری

۱. نظریه سازه انگاری

نظریه سازه انگاری در روابط بین الملل ریشه در " مسئله جامعه شناسی شناخت " دارد که در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتر برگر و توماس لاکمن در کتاب ساخت اجتماعی واقعیت: رساله ای در جامعه شناسی شناخت مطرح شد.^۱ ریشه های سازه انگاری در جامعه شناسی حداقل به مکتب شیکاگو و پدیدار شناسی بر می گردد. در این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید می شود.^۲ از این منظر "واقعیت ساخته و پرداخته جامعه است " منظور از واقعیت در یک معنای وسیع عبارت است از "کیفیتی مرتبط با پدیده هایی که آنها را مستقل از خواست و اراده خود می دانیم (و نمی توانیم آنها را کنار بگذاریم)" تعریف می شود" و شناسایی به عنوان " اطمینان به اینکه پدیده ها واقعیتند و از خصوصیات ویژه برخوردارند" تعریف می شوند.^۳ توجه جامعه شناختی به واقعیت و شناسایی به اعتبار نسبت اجتماعی آنهاست . تاکید بر این است که خود کنشگران اجتماعی چگونه واقعیت را بر می سازند و بر مبنای آن عمل می کنند. پس در اینجا تعامل اجتماعی نقشی بنیادین دارد . از آنجا که این تعاملات و فرایندهای اجتماعی هستند که به هویت ها شکل می دهند ، باعث حفظ آنها می شوند و یا آنها را دگرگون می سازند ، و این برداشت وجود دارد که هویت ها بر ساختارها تأثیر می گذارند و باعث حفظ یا تغییر آنها می شوند. بنابراین انگاره هویت نقش مهمی در این برداشت پیدا می کند. از سوی دیگر از آنجا که واقعیت زندگی سرشار از جلوهای عینی است که موردی خاص از آن را دلالت تشکیل می دهد و زبان یکی از مهم ترین نظامهای دلالتی است، دلالت، زبان و گفتمان نیز اهمیت می

^۱ - حمیرا مشیر زاده، " گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه انگاری"، مجله حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۳، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳.

^۲ - ناصر هادیان، "سازه انگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی"، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۴، ۱۳۸۳، ص ۹۱۸.

^۳ - مشیر زاده، پیشین، ص ۱۷۳.

یابند. به بیان نیکلاس اونف* سازه انگاری از " کردارها"*** شروع می شود یعنی آنچه انجام می شود ، اعمالی که صورت می گیرد و کلماتی که گفته می شوند.^۱ در ارتباط با زبان، سازه انگاران بر این باورند که زبان تنها انعکاس دهنده مفاهیم نیست بلکه در واقع خود نوعی رفتار و عمل است. یعنی اگر عقیده ای را به زبان آوریم ، یک حالت پیش بینی که خود منجر به شکل گیری یک عمل می شود، صورت می گیرد. برای مثال، ایده گفتگوی تمدنها*** از سوی محمد خاتمی رئیس جمهور سابق ایران که پیامد هایی را در عرصه تعاملات بین المللی به همراه آورد.^۲

نظریه سازه انگاری محصول مناظره خرد گرایی و رادیکالیزم در روابط بین الملل در دهه ۱۹۹۰ است. نیکلاس اونف از مهم ترین متفکران سازه انگاری و آغازگر گسترش این دیدگاه به روابط بین الملل شناخته می شود. افرادی همچون اشلی، جیمز دردریان، والکر، کراتوچول، دسلر، راگی و در نهایت الکساندر ونت تلاش وی را پی گرفتند و بدین ترتیب ادبیات سازه انگاری در روابط بین الملل گسترش یافت.^۳ الکساندر ونت سازه انگاری را چنین تعریف می کند: "سازه انگاری تئوری ساختاری سیستم بین المللی است که گزاره های اصلی آن بدین شرح است :

۱- دولتها واحد های اولیه تحلیل در تئوری سیاسی بین المللی هستند.

۲- ساختارهای کلیدی در سیستم دولت ها بیش از آنکه مادی باشند، بین الازدھانی*** هستند.

onuf*
deeds**

^۱ - مشیرزاده، پیشین، ص ۱۷۴-۱۷۳.

dialogue among civilization***

^۲ - آرمین امینی، "تحلیل روابط ایران - اتحادیه اروپا از منظر سازه انگاری"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، پیش شماره یکم، ۱۳۸۳، ص ۱۶۰.

^۳ - داوود آقایی و الهام رسولی، "سازه انگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اسرائیل"، فصلنامه سیاست، ش ۱، ۱۳۸۸، ص ۳.

intersubjective****

۳- بخشی مهم از منافع و هویت دولت‌ها توسط ساختارهای اجتماعی و نه تحت تاثیر طبیعت انسانی و سیاست داخلی دولت‌ها، ساخته می‌شود.^۱

این نظریه در عین حال که در نقد بنیادهای فلسفی، هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، متدولوژی و مفروضه‌های هنجاری خردگرایی با تفسیرگرایی رادیکال اشتراک نظر دارد، اما با اهداف و راه‌حل‌های آن برای مطالعه روابط بین‌الملل اختلاف دیدگاه دارد.^۲ طبقه‌بندی‌های متفاوت از سازه‌انگاری ارائه شده است و معمولاً آن را شامل دو گروه رادیکال/عمیق/نسبی‌گرا/پسامدرن و متعارف/نازک/تجربه‌گرا/مدرن می‌دانند و گاه نیز گروهی را در میانه آنها تشخیص می‌دهند.^۳ در مباحث فرانظری دو بحث اصلی به نام هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی وجود دارد. در نظریه سازه‌انگاری، هستی‌شناسی بیش از معرفت‌شناسی اهمیت دارد. بنابراین با توجه به موضوع پایان‌نامه و ارتباط بیشتر آن با هستی‌شناسی در سازه‌انگاری تلاش شده است در ادامه، نظریه سازه‌انگاری از این منظر تشریح گردد.

۲. هستی‌شناسی سازه‌انگاری

مباحث هستی‌شناسی به وضوح کانون اصلی توجه سازه‌انگاران را تشکیل می‌دهد. بسیاری برآنند که مهم‌ترین مساهمت سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل در بعد هستی‌شناختی است و سازه‌انگاران اساساً کانون بحث در حوزه روابط بین‌الملل را از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی منتقل کرده‌اند. توجه سازه‌انگاران از یک سو، به انگاره‌ها، معانی، قواعد، هنجارها و رویه‌هاست. تاکید آنها بر "نقش تکوینی

^۱- Alexander Wentd, "Collective Identity formation and the international state", American Political Science Review, vol 88, no 2, June 1994, p 385.

^۲- جلال دهقانی فیروزآبادی، "تحول نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل"، مجله پژوهش حقوق و سیاست، ش ۸، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶.

^۳- مشیرزاده، پیشین، ص ۱۷۴.

عوامل فکری " است که آنها را در برابر " مادی گرایی " * حاکم بر جریان اصلی در روابط بین الملل قرار می دهند و در عین حال، به دلیل پذیرش اهمیت واقعیت مادی آنها را از پسا ساختار گرایان متمایز می سازند.^۱ در معنای رئالیستی، شناخت " باور صادق موجه " در انطباق با امر عینی به دست می آید، در حالی که سازه انگاری با نفی استقلال امر عینی از ذهنیت، امکان شناخت استعلایی، عام و رها از ارزش را رد می کند و معتقد است که جهان در ما " برساخته " می شود و شناخت نیز در انفعال ذهن که در مشارکت فعالانه آن در جهان به دست می آید. این ذهن نیز خود امری تکوین یافته است و در چارچوب جامعه و تاریخ و هویت خود جهان را می سازد و به شناخت دست می یابد.^۲ سازه انگاری به عنوان شاخه ای از نظریه عام انتقادی، مفروضه های هستی شناختی خرد گرایی در خصوص روابط بین الملل و سیاست خارجی را به چالش می طلبد و اصول و گزاره های متفاوت دیگر ارائه می دهد. این نظریه تصور کشورها به عنوان کنشگران ذره ای خودپرست را که منافعشان پیش از تعامل اجتماعی بین المللی شکل گرفته است و آنها صرفاً به منظور تامین اهداف راهبردی وارد روابط بین الملل می شوند، نمی پذیرد. سازه انگاری از طریق ارائه یک برداشت سیاست هویت، تلاش می کند چگونگی نقش و تأثیر اجتماعات بین الاذهانی مانند ناسیونالیسم، قومیت، نژاد، مذهب و حیثیت در سیاست جهانی را توضیح دهد. شناخت چگونگی شکل گیری هویت ها و منافع و نوع هنجارها و رویه هایی که با تولید آن قوام هستند و قوام بخشی متقابل آنها، مهم ترین اهداف برنامه پژوهشی سازه انگاری است. اهمیت موضوعات هویتی از قبیل هنجارها، ایده ها، یادگیری و تشکیل هویت به این علت است که سازه انگاری تصور می کند هویت ها به صورت بالقوه بخشی از رویه های قوام بخش

*materialism

^۱ - حمیرا مشیرزاده، "نحول در نظریه های روابط بین الملل"، انتشارات سمت، تهران: ۱۳۸۳، ص ۳۳۰.

^۲ - ابراهیم متقی و حجت کاظمی، "سازه انگاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست، ش ۳۷، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰.

کشور بوده و در نتیجه کنش های آن را در داخل و خارج باعث می شود. منظور کردن سیاست هویت، به معنای فاش شدن تفاوت و تمایز میان کشورهای مختلف از طریق اذعان به نقش سازنده فرهنگ به مثابه یک نظام معنایی بین الاذهانی و ساختار اجتماعی در شکل گیری و تکوین هویت و منافع کشور هاست.^۱

۳. مفروضه های اصلی هستی شناسی

سازه انگاری به لحاظ هستی شناسی دارای سه گزاره مشترک است و به عبارتی شامل سه مفروضه اصلی می شود که عبارتند از:

۱- ساختارهای فکری و هنجاری نیز به اندازه ساختارهای مادی (مورد توجه نو واقعگرایان) اهمیت دارند. زیرا نظام های با معنا هستند که تعریف می کنند کنشگران چگونه باید محیط مادی خود را تفسیر کنند؛

۲- دومین گزاره هویت ها هستند که به منافع و کنش ها شکل می دهند. فهم اینکه منافع چگونه شکل می گیرند، کلید تبیین طیف وسیعی از پدیده های بین الملل تلقی می گردد که درست درک نشده اند یا مورد غفلت قرار گرفته اند؛

۳- کارگزاران و ساختارها به هم متقابلاً شکل می دهند.^۲

^۱ - جلال دهقانی فیروز آبادی، "هویت و منفعت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، مجموعه مقالات منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، گردآورنده داود کیانی، پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی، تهران: ۱۳۸۶، ص ۱۱۱-۱۱۲.

^۲ - هادیان، پیشین، ص ۹۱۹.

۱-۳. تأکید بر اهمیت ساختارهای فکری و هنجاری در کنار ساختارهای

مادی

با توجه به اینکه ساختارها به رفتار بازیگران اجتماعی و سیاسی، اعم از افراد و کشورها، شکل می دهند سازه انگاران استدلال می کنند که ساختارهای هنجاری یا عقیدتی به همان اندازه ساختارهای مادی حائز اهمیت هستند.^۱ نظام های باورها و ارزشهای مشترک سرشتی ساختاری دارند و بر کنش رفتار خارجی کشورها تاثیر می گذارند.^۲ ونت با تکیه بر آراء تعامل گرایان نمادین بر آن است که نخست، اشخاص بر اساس معانی ای که اشیاء و سایر کنشگران برای آنها دارند، عمل می کنند؛ دوم، این معانی در ذات جهان نیستند بلکه در تعامل شکل می گیرند. به نظر وی با وجود اهمیت توانمندی های مادی، می توان به شکلی "فرهنگی تر" در باره مفهوم "ساختار" اندیشید و به جای تصور بدبینانه ناشی از تمرکز بر قدرت، با تأکید بر بعد فرهنگی ساختار "به امکانات جدید برای تغییر" رسید.^۳ از نظر سازه انگاران جهان و جمله جهان بین الملل را یک پروژه "بر ساختن بی پایان" می دانند که بر ساختن آن بر زمینه ای از ادراکات و تلقی های زمینه مند فراهم می آید. از این منظر، امکان دسترسی مستقیم و بی واسطه به جهان وجود ندارد. چرا که همه کنشهای انسانی در فضایی اجتماعی شکل می گیرند و معنا می یابد و این معناسازی است که کم و بیش به واقعیت جهان شکل می دهد.^۴ بنابراین از دید سازه انگاران ساختار بین الملل نه امری از پیش داده شده که امری برآمده از دیالکتیک دائمی ساختارها و بازیگرانی است که بر اساس معانی ذهنی خود و نه لزوماً عقلانیت ابزاری، دست به کنش می زنند.^۵

^۱ - دهقانی فیروزآبادی، "تحول نظریه ها"، پیشین، ص ۱۰۶.

^۲ - دهقانی فیروزآبادی، "هویت و منفعت"، پیشین، ص ۱۱۲.

^۳ - مشیرزاده، پیشین، ص ۳۲۶.

^۴ - آقایی و رسولی، پیشین، ص ۳.

^۵ - متقی و کاظمی، پیشین، ص ۲۱۳.

ساختارهای اجتماعی به هویت های اجتماعی بازیگران بین المللی در نظام بین الملل شکل می دهد، هنجارها و نظام معنی نهادینه شده در سطح نظام بین الملل و جامعه داخلی، هویت های اجتماعی کشورها را تعریف و تعیین می کند که خود منافع آنها را قوام می بخشد و به کنشهای آن شکل می دهد. کشورها از طریق شرکت در این مفاهیم و معانی بین الاذهانی مشترک، هویت های خود یعنی ادراکات و انتظارات نسبتاً پایدار و یک نقش خاص را در خصوص خود کسب می کنند. این هویتها ذاتاً اجتماعی هستند. سازه انگاری برای تاکید بر جنبه و ساحت اجتماعی وجود انسان، بعد بین الاذهانی دانش را برجسته می کند. در نهایت اینکه ساختارها به سیاست بین الملل معنا می بخشد و سیاست مداران و تصمیم گیرندگان، جهان را به کمک آن می شناسند و می فهمند. بنابراین ساختارها در سازه انگاری ماهیتی بازنمایانه و بین الاذهانی دارند نه مادی و فردی.^۱

۲-۳. برساختگی هویت و منافع و ابتنای منافع بر هویت

از نظر سازه انگاری هویت ها در تعیین و تعریف منافع نقش دارند. سازه انگاران منافع ملی کشورها را ناشی از هویت ملی آنها می دانند که در فرایند تعامل بین المللی شکل می گیرند.^۲ هویت کنشگران یک مسئله مهم هستی شناختی است که در کانون رهیافت سازه انگاری قرار دارد. هویت عبارت است از فهمها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویتها به طور همزمان به گزینش های عقلانی قوام می دهند و این الگوهای هنجاری سیاست بین الملل اند که به آنها شکل می دهند. هویت ها را نمی توان به شکل ماهوی، یعنی جدا از بستر اجتماعی آنها تعریف کرد، آنها ذاتاً اموری رابطه ای * هستند و باید به عنوان مجموعه ای از معانی تلقی شوند که یک کنشگر با در نظر گرفتن چشم انداز

^۱ - دهقانی فیروزآبادی، پیشین، ص ۱۱۴-۱۱۳.

^۲ - جلال دهقانی فیروزآبادی، "الزامات ائتلاف برای صلح"، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۳، ۱۳۸۳، ص ۵۸۵.

دیگران به خود نسبت می دهند.^۱ سازه انگاری به پیروی از جامعه شناسی رابطه بین منافع و هویت را به وسیله مفهوم "نقش" تحلیل و تبیین می کند. هر هویتی خاص که یک کشور انتخاب می کند، نقشی معین را ایجاب می کند که خود منافی خاص را در بر دارد و منافع دیگری را مستثنی می سازد. نقش هایی که کشورها تقبل و تعهد می کنند و منافع و کنش هایی که این نقش ها ایجاب می کند به وسیله هنجارها و ساختارهای بین الاذهانی معنا که در سطح نظام بین الملل و جامعه داخلی حاکم هستند تعیین می شوند. هنجارها و ساختارهای فکری نظام بین الملل، هویتها و نقش های ملی را که در سطح بین الملل به رسمیت شناخته می شوند، مشخص می کند.^۲

آدلر* نیز با اشاره به مسئله هویت به عنوان امری محوری در سازه انگاری عنوان می کند که هویت امری برساخته در فرآیند مشارکت در معانی جمعی و اجتماعی است. در چارچوب این هویت است که یک بازیگر عرصه بین المللی، تصورات خود از دیگران و اهداف خود را مشخص می کند و به کنش می پردازد و در رابطه با دیگران ساختار را شکل می دهد.^۳

از نظر ونت هویت به چهار نوع تقسیم می شود: ۱- شخصی** ، ۲- نوعی*** ، ۳- مبتنی بر نقش**** ، ۴- جمعی***** .^۴

^۱ - علی نورایی یگانه، "نظریه سازه انگاری در روابط بین الملل"، روزنامه رسالت، بخش مقالات سیاسی، نمایه .

^۲ - دهقانی فیروزآبادی، "هویت و منفعت ..."، پیشین، ص ۱۱۷ .

^۳ - متقی و کاظمی، پیشین، ص ۲۱۴ .

adler *
personal **
type ***
role ****

Collective *****

^۴ - Alexander Wendt, "social theory of international politics", Cambridge: Cambridge University Press, 1999, P 224 .